



امام خمینی (ره)

آموزش و پرورش پیش دبستانی

علی حسینعلی پور

کارشناس ارشد آموزش و پرورش پیش از دبستان

اشاره

انتشار سومین پیش شماره‌ی رشد آموزش پیش دبستانی، با فصل بهار مصادف شده است. ماه ابتدا و انتهای این فصل، سال‌هاست در کشورمان با نام خمینی بزرگ گره خورده‌اند. در دوازدهمین روز فروردین ماه، بنیان‌گذاری جمهوری اسلامی به رهبری او را گرامی می‌داریم و در نیمه‌ی خرداد، علاوه بر مرور نهضت ماندگار وی در سال ۴۲، خاطرات تلخ وفاتش در ۱۴ خرداد سال ۶۸ را یادآور می‌شویم. به همین مناسبت، مقاله‌ای را که برگرفته از یک پژوهش دانشگاهی در زمینه‌ی دیدگاه‌های حضرت امام (ره) درباره‌ی دوره‌ی پیش دبستانی است، تقدیم شما خوانندگان محترم می‌کنیم.

«بچه‌های خودتان را خوب تربیت کنید. این بچه‌ها هستند که کشوری را نجات می‌دهند.»

امام خمینی (ره)

[صحیفه‌ی امام، ۱۳۷۸، ج ۸: ۳۵۵]

سراغاز

تعلیم و تربیت در اندیشه‌ی امام خمینی (ره) به عنوان یک مری انسان‌ساز، از ارزش و جایگاه والایی برخوردار است؛ به طوری که یکی از رموز موفقیت امام و بزرگ‌ترین حکومتی مبتنی بر اندیشه‌های اصیل اسلامی را می‌توان در توجه به تربیت نسل انقلاب دانست. حضرت امام خمینی (ره) بدون تردید از الگوهای برجسته‌ی تعلیم و تربیت اسلامی است. ایشان در عرصه‌ی تربیت، تنها به بیان رهنمودهای تربیتی و اخلاقی بسنده نکرده و در میدان عمل، قبل از آن که آرا و اندیشه‌هایش را به دیگران توصیه کند، خود به کار بسته است [میریان، ۱۳۸۴].

بررسی اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) در زمینه‌های گوناگون از جمله آموزش و پرورش، نه تنها از مهم‌ترین و اساسی‌ترین وظایف محققان است، بلکه برای حفظ سلامت و تداوم انقلاب جهانی اسلامی، نیازی ضروری و اجتناب‌ناپذیر به‌شمار می‌رود.

با توجه به برخی از بیانات حضرت امام خمینی (ره)، این شبهه به وجود آمده که ایشان با آموزش و پرورش پیش دبستانی مخالف است. حال در این نوشتار می‌خواهیم این موضوع را بررسی کنیم. در حقیقت این مقاله سعی دارد به این پرسش پاسخ دهد که آیا حضرت امام خمینی (ره) با آموزش و پرورش پیش دبستانی مخالف است یا موافق؟

در این نوشتار، ابتدا به طور مختصر اهمیت دوران کودکی و آموزش و پرورش پیش دبستانی را بیان می‌کنیم. سپس بیانات حضرت امام خمینی (ره) را که توسط برخی ایجاد شبهه کرده است، می‌آوریم و در نهایت به تحلیل آن سخنان و نتیجه‌گیری می‌پردازیم.

اهمیت دوران کودکی و آموزش و پرورش

پیش دبستانی

کودکی اولین و مهم‌ترین دوره‌ی زندگی آدمی است. در این دوره، کودک برای نخستین بار با طبیعت رابطه برقرار می‌کند، روابط اجتماعی خود را بنا می‌نهد و به مفهومی از خود دست می‌یابد. از آن‌جا که در این دوره ساختار شخصیتی و رفتاری انسان بنیان گذاشته می‌شود، دوران کودکی را دورانی سرنوشت‌ساز و مثبت دانسته‌اند.

آموزش در دوران اولیه‌ی کودکی مورد توجه و علاقه‌ی طیف وسیعی از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسان، روان‌شناسی، فلاسفه، فیزیولوژیست‌ها و سرانجام بسیاری از دست‌اندرکاران حرفه‌های گوناگون بوده است.

افلاطون حدود قرن سوم قبل از میلاد، بر این عقیده بود که «آموزش دوران اولیه‌ی کودکی امری اجتماعی است. در این سنین باید کودکان را از والدینشان جدا کرد و برای مراقبت و تعلیم، به مؤسسات اجتماعی سپرد.»

متفکران پیش قدم در قرن‌های ۱۷، ۱۸ و ۱۹ عقیده داشتند، اگر آموزش از سنین اولیه‌ی کودکی آغاز شود، بسیاری از مسائل اجتماعی حاد پدید نخواهد آمد. جان لاک، فیلسوف انگلیسی، به این فرضیه قائل بود که درک و شناخت، از تجربه‌های شخصی فرد از محیط خارجی و اجتماعی ناشی می‌شود. جان آموس کمینیوس، متخصص تعلیم و تربیت، اولین کتاب مصور را برای آموزش کودکان به رشته‌ی تحریر در آورد. رابرت اون^۱ جامعه‌شناس عقیده داشت، شخصیت

فرد تحت تأثیر عوامل محیطی قرار دارد و از این رو در سنین اولیه، محیط آموزشی غنی را تعیین کننده‌ی شخصیت مؤثر و سازنده دانست. **یوهان پستالوزی**، یکی از اصلاح‌طلبان تعلیم و تربیت، استفاده از اشیای ملموس و طبیعی را در بارور کردن قدرت مشاهده و استدلال منطقی در سنین اولیه، مورد تأکید قرار داد. **ژان ژاک روسو**، فیلسوف فرانسوی عقیده داشت، آموزش باید از بدو تولد آغاز شود و تا سن بیست و پنج سالگی ادامه یابد. **فردریک فروبل** آلمانی، سیستمی از بازی‌های آموزشی را برای کودکان ابداع کرد و برای نخستین بار کودکستانی بر پا ساخت. به همین دلیل، پدر کودکستان لقب گرفت.

امروزه ضرورت و اهمیت آموزش در دوران اولیه‌ی کودکی به حدی محسوس و شایان توجه است که بازتاب آن در کلیه‌ی بحث‌ها و پژوهش‌های علمی و برنامه‌های آموزشی مراکز پیش‌دبستانی کاملاً هویداست [مفیدی، ۱۳۸۱: ۵-۳].

در دوره‌ی کودکی، عوامل محیطی هنوز روی کودک اثر نگذاشته‌اند و فطرت اولیه‌ی او به مقدار زیادی سالم و دست‌نخورده است. در این شرایط، پیام‌های تربیتی تأثیر زیادی دارند و آثار آن‌ها در وجود کودک ماندگار خواهد بود. اگر کودک به چیزی عادت کند، دیگر به آسانی نمی‌توان در او تغییر ایجاد کرد. مستحکم‌ترین شاکله‌های عاطفی، روانی و اجتماعی هر فرد در دوره‌ی خردسالی شکل می‌گیرند [ملکی، ۱۳۷۹: ۳۰].

به همان میزان یا حتی بیش از آن که کودک جلوه‌ای از بزرگ‌سالی باشد، بزرگ‌سالی جلوه‌ی کودکی است. زیرا اگر بزرگ‌سال با وسایل متعدد کودک را آموزش می‌دهد، خود او (بزرگ‌سال)، زندگی را با کودکی آغاز کرده و این امر از دوران قبل از تاریخ تاکنون بر این منوال استمرار داشته است. با توجه به این نکته‌ی ظریف، می‌توان به اهمیت تعلیم و تربیت در دوره‌ی کودکی پی برد [پیاژه و اینهلدر، ۱۳۸۳].

سخنان حضرت امام خمینی (ره) در

زمینه‌ی آموزش پیش از دبستان

حضرت امام خمینی (ره) می‌فرماید:

«... این‌ها نمی‌خواهند انسان پیدا بشود، از این جهت این قدر تربیت اولاد را پیش مادر مبتذل کردند و این قدر تبلیغات کردند که حتی خود مادرها هم شاید باور کردند. مادرها، این بچه‌های عزیز را به پرورشگاه‌ها فرستادند و از دامن‌های خودشان جدا کردند و در آنجا تربیت شیطانی شدند.» [صحیفه‌ی امام، ۱۳۷۸ ج ۹: ۲۹۴].

در جای دیگر می‌فرماید: «برای خانم‌ها یک

مطلب بالاتر است و آن مطلب، تربیت اولاد است. شما گمان نکنید که این‌ها که همیشه مادر بودن و اولاد داشتن و تربیت اولاد را تکذیب می‌کنند، مطلب را یک مطلب خیلی سستی می‌گیرند و مطلب را یک مطلب بسیار پائینی می‌گیرند. این‌ها غرض صحیح دارند. این‌ها می‌خواهند از این دامن که بچه، خوب می‌خواهد در آن تربیت بشود، بچه‌ها را از این دامن‌ها دور کنند، بچه‌ها را از همان اول به پرورشگاه‌ها بفرستند. زیردست دیگران، زیردست اجانب بچه‌ها را تربیت کنند. آن‌ها می‌خواهند انسان درست نشود. دامن‌های شما دامن‌هایی است که انسان درست می‌کند. این‌ها می‌خواهند بچه‌های شما را از این جا نگذارند با شما باشند و نگذارند انسان درست بشود.

بچه‌هایی که از دامن مادر جدا شده‌اند و در پرورشگاه‌ها رفتند، این‌ها چون پیش اجنبی هستند و محبت مادر ندیده‌اند، عقده پیدا می‌کنند. این عقده‌ها منشأ همه‌ی مفاسدی است، یا اکثر مفاسدی است که در بشر حاصل می‌شود. این جنگ‌هایی که پیدا می‌شود، از عقده‌هایی است که در انسان هست. بچه‌های شما را اگر از شما جدا کردند، به واسطه‌ی نداشتن محبت مادر، عقده پیدا می‌کنند، به فساد کشیده می‌شوند. مأمورند این‌ها، مأمور بودند این دستگاه به این که بچه‌های ما را به فساد بکشند. از آن اول نگذارند در یک دامن محبت بزرگ بشود، تربیت بشود تا عقده پیدا بشود...» [همان، ص ۲۹۳].

و در جای دیگر می‌فرماید: «یک شغل، شغل تربیت اولاد است که مع‌الأسف در آن حکومت طاغوتی، این شغل را می‌خواستند از این مادرها بگیرند. تبلیغ کردند به این که زن چرا بچه‌داری بکند؟ این شغل شریف را، منحطش کردند در نظر مادرها، برای این که می‌خواستند که مادرها از بچه‌ها جدا بشوند. بچه‌ها را ببرند در پرورشگاه‌ها بزرگ کنند. مادرها هم علی‌حده بروند یک کارهایی که آن‌ها دلشان می‌خواهد، بکنند. و بچه در پرورشگاه وقتی که بزرگ بشود، یک بچه‌ای که در دامن مادر بزرگ بشود نیست؛ عقده پیدا می‌کند. وقتی بچه در پرورشگاه و بدون مادر با اجنبی بخواد سروکار داشته باشد و محبت مادر از سر او کم بشود، این بچه عقده پیدا می‌کند. بسیاری از این مفسده‌هایی که در جامعه واقع می‌شود، از این بچه‌هایی هستند که عقده دارند، از این انسان‌هایی هستند که عقده دارند. مبدأ یک عقده‌ی بزرگ، این جدا کردن بچه از مادر است. محبت مادری لازم دارد بچه. بنابراین این شغل که شغل انبیاست و انبیا هم آمدند برای این که انسان درست کنند، این شغل اول شماس است؛ در اول تربیت بچه.» [همان، ج ۸، ص ۱۹-۲۰].

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران هم چنین در این باره می‌فرماید: «یک مادر ممکن است که بچه

را تربیت کند و خوب تربیت کند و آن یک بچه، یک امت را نجات بدهد و ممکن است که بد تربیت کند و موجب هلاکت یک امت بشود. مع‌الأسف در طول این سلطنت، این‌ها کوشش کردند که مادرها را از بچه‌ها جدا کنند. به مادرها تزریق کردند که بچه‌داری چیزی نیست، شما توی ادارات بروید. جدا کردند این بچه‌های معصوم را که باید تربیت بشوند، از دامن‌های مادر و بردند در پرورشگاه‌ها و جاهای دیگر و اشخاص اجنبی، اشخاص غیررحیم، آن‌ها را تربیت می‌کردند؛ تربیت فاسد. بچه‌ای که از مادرش جدا شد، پیش هر که باشد عقده پیدا می‌کند. عقده که پیدا کرد، مبدأ بسیاری از مفاسد می‌شود. بسیاری از این قتل‌هایی که واقع می‌شود، روی عقده‌هایی است که پیدا می‌شود و عقده‌ها بسیاری‌اش از این پیدا می‌شود که مادر از اولاد جدا باشد. بچه‌ی کوچولو به مادر احتیاج دارد. مادر یک شغلی دارد که همان شغل انبیاست. این شغل بزرگ انبیا را در نظر مادرها کوچک کردند» [همان، ج ۹: ۱۳۷-۱۳۶].

باید توجه داشت که منظور حضرت امام (ره) از «پرورشگاه» در این سخنان، محل پرورش کودکان (مهذب‌کودک کنونی) است، نه محل نگهداری کودکان بی‌سرپرست.

بررسی سخنان امام و نتیجه‌گیری

با توجه به این سخنان به نظر می‌آید، حضرت امام خمینی (ره) با آموزش قبل از دبستان در مراکز آموزشی مخالف و بر این اعتقاد هستند که آموزش در این سنین باید تنها در دامن مادران صورت گیرد. جدایی کودک از مادر و قرار گرفتن او را در این مراکز، منشأ ایجاد عقده‌ها و این عقده‌ها را مبدأ بسیاری از مفاسد در آینده می‌دانند.

برای تحلیل سخنان، باید هم «جزء نگر» بود و هم «کل نگر»، تا به نوعی وحدت در آن سخنان رسید. جزء را دیدن، بدون در نظر گرفتن کل، یکی از آفات تحقیق در علوم انسانی است که نتایج تحقیق را غیرمعتبر می‌سازد.

وقتی این سخنان را با سخنان دیگری از حضرت امام خمینی (ره) در زمینه‌ی تعلیم و تربیت مقایسه می‌کنیم، به تضادی ظاهری برمی‌خوریم. در حالی که بحث تعلیم و تربیت، خاصه تعلیم و تربیت کودک، یکی از مهم‌ترین بخش‌های اندیشه‌ی امام را تشکیل می‌دهد و ایشان بیشترین اهمیت را برای آن قائل هستند؛ تا جایی که تربیت کودک را حتی قبل از تولد نیز مدنظر قرار می‌دهند. هم‌چنین در برخی از سخنان حضرت امام خمینی (ره) می‌بینیم که ایشان به اهمیت مراکز پیش‌دبستانی اشاره کرده‌اند. پس ایشان چگونه می‌تواند با آموزش و پرورش پیش

از دبستان مخالف باشد؟

در ادامه‌ی این بحث آن دسته از سخنان حضرت امام خمینی (ره) را می‌آوریم که به اهمیت تربیت کودک قبل و بعد از تولد، اهمیت آموزش در سنین اولیه‌ی کودکی، اهمیت مراکز آموزشی، به‌خصوص مراکز آموزشی قبل از دبستان، نحوه‌ی تربیت کودکان در این مراکز و همچنین دیگر عوامل مؤثر در تربیت کودک اشاره دارد. امام (ره) در زمینه‌ی اهمیت تربیت کودک قبل و بعد از تولد می‌فرماید:

«... شما وقتی اسلام را ملاحظه می‌کنید، به حسب ابعاد انسانیت، [می‌بینید] طرح دارد، قانون دارد. از قبل از این که انسان به این دنیا بیاید، قبل از این که پدر و مادر انسان ازدواج کند، طرح دارد برای این که این پدر را خوب تربیت کند. طرح دارد اسلام، زن را چه جور انتخاب کنید، شوهر را چه جور انتخاب کنید، در وقتی که ازدواج می‌کنید چه وضع باشد، با چه آداب باشد، در وقت لقاح چه آداب باشد، در وقت حمل چه آداب باشد؛ مثل زارعی که یک تخم زراعت را می‌کارد و مواظبت می‌کند که زمین خوب باشد، آب سالم باشد، به موقع برسد، سایر تربیت‌ها تربیت‌های نباتی باشد که درست تربیت باشد. اسلام [هم] برای تربیت انسان، از قبل از ازدواج پدر و مادر شروع کرده است. زمین را یک زمین سالم صحیح انسان صفت انتخاب بکند. بعد هم آداب دیگر تا وقتی که متولد می‌شود و آداب رضاع (شیر دادن) و آداب حمل و رضاع و تربیت در دامن مادر و تربیت در پیش پدر و تربیت‌های بعدی که به دنبال این می‌آید.» [همان، ج ۶ ص ۴۱-۴۲].

ایشان در کتاب ارزشمند «شرح حدیث جنود عقل و جهل»، این گونه آورده‌اند: «... و حسن تربیت و صلاح پدر و مادر، از توفیقات قهریه و سعادات غیر اختیاریه‌ای است که نصیب طفل گاهی می‌شود. چنانچه فساد و سوء تربیت آن‌ها نیز، از شقاوت و سوء اتفاقات قهریه‌ای است که بی‌اختیار نصیب انسان شود. چنانچه مراحل سابقی بر این مرحله نیز هست که ممکن است در آن مراحل، پدر اخلاق سعید و اختیارات مناسب حلال، در قبل از حمل و زمان حمل و ایام رضاع و امثال آن...» [امام خمینی، ۱۳۷۷: ۱۵۵].

ایشان در این باره هم چنین می‌فرمایند: «... اسلام یک حقیقتی است که انسان در تمام ابعادی که دارد، چه از بعدهای مادی و چه بعدهای معنوی، تا برسد به آن جایی که آن چه در وهم تو ناید آن شود در همه‌ی این ابعاد نظر دارد و طرح تربیتی. شما به حکومت‌های دنیا - غیر ادیان - وقتی که نظر بکنید، چه حکومت‌های شرق و غرب و چه حکومت‌هایی که در بین شرق و غرب هستند، هیچ حکومتی را نمی‌بینید که با کیفیت بارداری زن‌ها کار داشته باشد،

با بچه‌های شیرخوار کار داشته باشد، با کیفیت ازدواج که چه وقت باشد، چه وقت نباشد کار داشته باشد...» [صحیفه‌ی امام، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۵۰۳].

ایشان در زمینه‌ی اهمیت آموزش در سنین اولیه‌ی کودکی می‌فرمایند: «... تربیت‌ها باید از اول باشد. از همان کودکی تحت تربیت انسان قرار بگیرد، و بعد هم در هر جا که هست، یک مربی‌هایی باشند که تربیت کنند انسان را. تا آخر عمر هم انسان محتاج به این است که تربیت بشود. انبیا هم که آمده‌اند از طرف خدای تبارک و تعالی، برای همین تربیت بشر و برای انسان‌سازی است. تمام کتب انبیا - خصوصاً کتاب مقدس قرآن کریم - کوشش دارند به این که این انسان را تربیت کنند. برای این که با تربیت انسان، عالم اصلاح می‌شود.» [همان، ج ۱۴، ص ۱۵۳].

حضرت امام (ره) برای محیط‌های آموزشی و تربیت کودکان اهمیت بسیاری قائل بودند: «چنانچه این اطفال را از اول یک نحو تربیت بکنند که در آن انحراف نباشد، تربیت‌های مناسب با انسان باشد، مناسب با فطرت پاک انسان‌ها باشد، از آن اول، وقتی که [با] آن معلمان دبستان و کودکان، بعد بالاتر تحت تربیت واقع می‌شوند، با همان تربیت وارد می‌شوند به دبیرستان مثلا. و اگر این‌جا هم همان تربیت به صراط مستقیم باشد و آن‌ها را به آن راهی که فطرتشان اقتضا دارد هدایت کنند معلمان، از باب این که این‌ها جوان هستند و اول بچه بودند و حالا جوان دیگری شده‌اند، در آن‌جا اگر باز تعلیم و تربیت یک تربیت انسانی باشد، با همان حال که پذیرش هر تربیتی در نوسال‌ها و [جوان‌سال] خیلی زود انجام می‌گیرد، وارد می‌شوند به مراتب بعد. آن‌جا هم چنانچه تربیت، یک تربیت انسانی باشد و موافق با فطرت انسان که همان فطرت ودیعه گذاشته از خداست، فطرت الله الّتی فطر الناس علیها [روم / ۳۰] آن‌طور باشد، در دانشگاه هم همان جور تربیت باشد، این‌ها بعد که تحویل به جامعه داده می‌شوند و مقدرات جامعه قهرا به دست این‌ها سپرده می‌شود، بالمآل کشور را کشور نورانی، کشور انسانی، کشور به فطرت الله تربیت می‌کنند و کشور را به جلو می‌برند.» [همان، ص ۳۳-۳۲].

حضرت امام (ره) درخصوص نحوه‌ی تربیت بچه‌ها در مراکز آموزشی می‌فرمایند: «شما اگر بتوانید این بچه‌ها را تربیت کنید، به طوری که از اول بار بیایند به این که خدا خواه باشند، توجه به خدا داشته باشند، شما اگر عبودیت الله را و پیوند با خدا را به این بچه‌ها تزریق کنید، و بچه‌ها زود قبول می‌کنند امر را، اگر عبودیت خدا را به این‌ها و تربیت الهی را و آن که هر چه هست از اوست را به این‌ها القا کنید، و آن‌ها بپذیرند، خدمت کرده‌اید به این جامعه. بعدها دسترنج‌های شما ارزشمند خواهند

شد و اگر خدای نخواستہ برخلاف این باشد، به این امانت، خدای نخواستہ هر کس کرده باشد، خیانت کرده است. و این غیر از همه‌ی خیانت‌هاست. خیانت به انسان است. خیانت به اسلام است. خیانت به عبودیت الله است.» [همان، ص ۴۰].

ایشان نقش مربی و همچنین محیط را در تربیت کودکان بسیار مهم تلقی می‌کردند: «این جوان‌ها از ابتدا خوب‌اند. مربی‌ها [مربی‌های فاسد] ضایع می‌کنند انسان را، والا اول که بچه‌ای متولد می‌شود، «کل مولود یولد علی الفطره»، به فطرت انسانیت و با فطرت خوب تولد پیدا می‌کند. بعدش مربی‌ها هستند که این را می‌کشاند به فساد. محیط است که اگر فاسد باشد، این‌ها را می‌کشد به فساد.» [همان، ج ۱۲، ص ۵۰۰-۴۹۹].

ایشان هم چنین در تربیت کودک، به نقش مهم جامعه و خانواده نیز اشاره می‌کنند: «... وقتی در یک جامعه‌ای سلامت حکم فرما باشد، افراد خود به خود سالم بار می‌آیند. یک خانواده‌ای که همه‌شان اشخاص خوب هستند، بچه‌هایشان سالم بار می‌آیند. مگر باز وارد بشوند در یک جامعه‌ی فاسد که آن‌ها فاسدشان بکنند، و الا طبعاً این طوری است. بچه‌های کوچک نفسشان مستعد از برای این است که نقش بگیرد از طرف فساد یا از طرف صلاح. اگر یک جامعه صلاح بود، بچه‌هایشان هم صالح بار می‌آیند؛ اگر فاسد بود، بچه‌ها هم فاسد بار می‌آیند.» [همان، ص ۵۰۰].

امام خمینی (ره) درباره‌ی اهمیت کودکان‌ها می‌فرمایند: «... این کودکان از اولی که وارد می‌شوند در محیط تعلیم، یک نفوس سالم ساده و بی‌آلایش و قابل قبول هر تربیتی و هر چیزی که به آن‌ها القا می‌شود، هستند. و این‌ها از اول که وارد کودکان‌ها می‌شوند، اماناتی هستند الهی به دست آن‌هایی که در کودکان‌ها، آن‌ها را تعلیم می‌دهند، و همین امانات از آن‌جا منتقل می‌شوند به جاهای دیگر و به دست معلمان دیگر، تا برسد به آن جایی که رشد کردند و بزرگ شدند و وارد شدند در مراتب عالی و دانشگاه‌ها.» [همان، ج ۱۴، ص ۲۳].

امام خمینی (ره) درباره‌ی اهمیت و ضرورت تعلیم و تربیت جمله‌هایی بسیار زیبا دارند. ایشان می‌فرمایند: «آن قدر که انسان غیر تربیت شده مضر است به جوامع، هیچ شیطان و هیچ حیوان و هیچ موجودی آن قدر مضر نیست. و آن قدر که انسان تربیت شده مفید است برای جوامع، هیچ ملائکه‌ای و هیچ موجودی آن قدر مفید نیست. اساس عالم بر تربیت انسان است. انسان عصاره‌ی همه‌ی موجودات است و فشرده‌ی تمام عوالم است. و انبیا آمده‌اند برای این که این عصاره‌ی بالقوه را بالفعل کنند و انسان یک موجودی الهی شود؛ که این موجود الهی، تمام صفات حق تعالی در اوست و جلوه‌گاه نور مقدس حق

تعالی است» [همان، ص ۱۵۳].

حال با توجه به این سخنان که از وجود مبارک حضرت امام خمینی (ره) صادر شده است، چگونه می‌توان باور کرد که ایشان با آموزش و پرورش پیش از دبستان مخالف است؟ ایشان به تمام عواملی که در تربیت کودک نقش دارند، از جمله خانواده، مربی، محیط‌های آموزشی، جامعه و... حساسیت نشان داده‌اند حضرت امام (ره) آن قدر مسئله‌ی تعلیم و تربیت را مهم می‌دانند که معتقدند: تربیت انسان قبل از تولدش شروع می‌شود. حال چگونه ممکن است با آموزش و پرورش بعد از تولد (پیش از دبستان و...) مخالف باشند؟

نکته‌ی مهمی که باید به آن توجه شود و کلید پاسخ به سؤال تحقیق و حل تضادی است که در بالا بدان اشاره شد، این است که سخنان حضرت امام خمینی (ره) در این زمینه، در ارتباط با طرح‌ها و نقشه‌های رژیم طاغوتی شاه است و ما باید به زمان ایراد سخنان و شرایط موجود در آن زمان توجه کنیم. هم‌چنین، باید توجه کنیم که روی سخن با چه کسانی است و تنها به ظاهر سخنان ننگریم.

باید توجه داشت که امام خمینی (ره) فطرت کودکان را پاک می‌دانند. پس اگر تربیت‌ها در جهت فطرت باشد، به شکوفایی فطرت کودکان کمک می‌کند. ولی آموزش‌ها در زمان طاغوت برخلاف فطرت پاک کودکان بود. حضرت امام (ره) با آن آموزشی مخالف بودند که کودک را فاسد بار می‌آورد و مراکز آموزشی در زمان طاغوت این‌گونه بودند؛ از **کودکستان** گرفته تا دانشگاه. حضرت امام (ره) برای تربیت همه‌جانبه و استقلال فکری کودک و تربیت دینی کودکان اهمیت زیادی قائل بودند. حال اگر آموزش و پرورش پیش از دبستان در همین جهت حرکت کند، در حقیقت در راستای خواسته‌های امام (ره) حرکت کرده است؛ آن‌چه که هم‌اکنون در مراکز آموزشی قبل از دبستان کشورمان در حال رخ دادن است.

امام خمینی (ره) با مراکز که در این راستا حرکت می‌کنند مخالف نیستند، بلکه با آن دسته از مراکز آموزشی که برخلاف این عمل می‌کنند؛ مخالف هستند؛ مراکز که می‌خواهند کودک را از همان اول فاسد بار بیاورند. حال فرقی نمی‌کند مراکز پیش از دبستان باشند؛ دبستان باشند یا دانشگاه. امام (ره) از آن‌جا که سنین اولیه‌ی کودکی را بسیار مهم می‌دانستند، و با توجه به شرایط موجود جامعه در آن زمان، معتقد بودند که فرایند تربیت در این سنین بهتر است به جای این که در مراکز آموزشی فاسد و زبردست معلمان طاغوتی انجام شود، تنها در دامان پاک مادران صورت گیرد.

البته تأثیر مادر بر تعلیم و تربیت کودکان خردسال امری انکارناپذیر است. بیش از ۳۰۰ سال پیش، **کمنیوس** کتابی تحت عنوان «مدرسه‌ی

دامان مادر» نگاشت و در آن اظهار داشت: مادران خود باید کودکانشان را طی شش سال اول زندگی به‌طور سازمان یافته و برنامه‌ریزی شده آموزش دهند. وی توصیه کرد که مادر برای فرزندان داستان و شعر بخواند [کلاری، ۱۳۸۴: ۱۶۸].

حضرت امام (ره) نیز بارها در سخنانشان به نقش مهم مادر در تربیت کودکان اشاره کرده‌اند. ولی باید به این نکته توجه داشت که در شرایط حاضر و با توجه به اقتضای زمان، وجود مراکز آموزشی قبل از دبستان ضروری است؛ البته به شرط این که در راستای شکوفایی فطرت پاک کودک باشند و خوش‌بختانه این موضوع رویکرد اصلی برنامه‌ی درسی دوره‌ی پیش‌دبستان در کشور ماست. نقش مراکز آموزشی پیش از دبستان در رشد همه‌جانبه‌ی کودک را نمی‌توان نادیده گرفت. همان‌طور که می‌دانیم، هدف از اجرای برنامه‌های این دوره، آشنا کردن نوآموزان با محیط اجتماعی و گروه هم‌سالان، فراگیری چگونگی ارتباط با محیط، آموزش آداب اجتماعی و آماده شدن برای حضور در کلاس اول دبستان است. ضرورت دارد که این سیر به صورت بطئی و آهسته صورت پذیرد. اگر کودکی را که تا پیش از ورود به مدرسه، پنج یا شش سال را که تمامی سال‌های عمر او به حساب می‌آید، در محیط خانواده و احتمالاً فاقد آن دسته از ضوابط و مقرراتی که در مدرسه اعمال می‌شوند، سپری کرده است، بدون هیچ‌گونه تمهید قبلی، به یکباره و به صورت تمام وقت به محیط رسمی و قانونمند مدرسه وارد کنیم، طبیعتاً برای او شوک‌آور خواهد بود. چنین وضعیتی باعث می‌شود، وی دچار اضطراب گردد و آرامش لازم را برای این تغییر ساختاری کسب نکند.

نتیجه‌ی بی‌توجهی به این مهم، ایجاد حالتی در کودک است که گاه در همان روزهای ابتدای تحصیل به صورت اضطراب، ناسازگاری با محیط، ترس از مدرسه و... بروز می‌یابد و گاهی به صورت «کمپلکس»^۷ نهفته می‌ماند و در سال‌های بعدی تحصیلی به صورت بی‌نظمی، ناسازگاری رفتاری، افت تحصیلی، بازگشت به حالات کودکی و نهایتاً ترک تحصیل، خود را نشان می‌دهد [همان، ص ۱۷۵].

علاوه بر این، آموزش‌هایی که در این مراکز ارائه می‌شوند، باید در راستای تربیت خانواده به خصوص مادر باشد که تأثیر بیشتری بر روی تربیت کودک در سنین اولیه دارد (البته به شرطی که با اصول تربیت صحیح کودک آشنایی داشته باشد) و برعکس. یعنی هر دوی این‌ها (خانواده و مراکز آموزشی قبل از دبستان) در تربیت همه‌جانبه‌ی کودکان مؤثر و مکمل یکدیگر هستند و هر دو باید حضور داشته باشند. کودک هم به تربیت و محبت مادر نیاز دارد و هم به آموزش‌های این مراکز. این دو می‌توانند باعث رشد بهتر کودک در

همه‌ی ابعاد (شناختی، عاطفی، اجتماعی و...) شوند؛ به شرطی که آموزش‌های صحیح و در راستای شکوفایی فطرت پاک کودکان باشند.

نتیجه‌گیری

حضرت امام خمینی (ره) بیشترین اهمیت را به آموزش و پرورش می‌دهند، تا جایی که غایت بعثت انبیا را آموزش و پرورش می‌دانند؛ البته آموزش و پرورش جهت‌دار و آموزش و پرورش که افراد را الهی بار آورد. ایشان با اصل آموزش و پرورش پیش از دبستان، اگر در راستای فطرت پاک کودکان باشد، مخالف نیستند. با آن آموزشی مخالف‌اند که کودکان را از ابتدا فاسد بار می‌آورد؛ حال چه مراکز پیش‌دبستانی باشد، چه دبستانی و... اما چون سنین پیش از دبستان، سنین بسیار حساس و تأثیرگذاری هستند، تأکید بیشتری روی آن دارند.

رژیم طاغوتی شاه سعی داشت کودکان را از همان ابتدا فاسد و وابسته بار آورد، لذا امام (ره) می‌خواستند که تربیت کودکان به جای این که در مراکز طاغوتی و فاسد رژیم شاه صورت گیرد، در دامان مادران انجام شود. ولی اکنون که حکومتی اسلامی در کشورمان استقرار یافته است و با توجه به ضرورت‌های ایجاد شده (از جمله اشتغال زنان به عنوان یک نیروی فعال اقتصادی و...)، و هم‌چنین فواید بی‌شماری که این‌گونه مراکز دارند، وجود چنین مراکزی بسیار مفید و سازنده است. البته نقش خانواده و به‌خصوص مادر در تربیت کودک بسیار حیاتی است و به هیچ وجه نمی‌توان آن را نادیده انگاشت. این دو باید مکمل هم باشند و هر دو در یک جهت صحیح حرکت کنند.

زیرنویس

1. John Lock/2. John Amos Cmoenius
3. Robert Owen/4. John H. Pestalozzi
5. Jean Jacques Rousseau
6. Fredrick Froebel
۷. عوالی اللالی، جلد ۱، ص ۳۵. هر مولودی با فطرت پاک به دنیا می‌آید.
8. Complex

منابع

۱. پیازه، ژان و اینهلدر، باربل (۱۳۸۳). روان‌شناسی کودک. ترجمه‌ی زینت توفیق. نشر نی. تهران.
۲. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۷). شرح حدیث جنود عقل و جهل. مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س). تهران.
۳. صحیفه‌ی امام، جلد‌های ۶، ۸، ۹، ۱۲، ۱۴ (۱۳۷۸). مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س). تهران.
۴. کلاری، کبری (۱۳۸۴). امام خمینی (ره) و آموزش و پرورش. پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت. تهران.
۵. مفیدی، فرخنده (۱۳۸۱). آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستانی. انتشارات دانشگاه پیام نور. تهران.
۶. ملکی، حسن (۱۳۷۹). تعلیم و تربیت کودک و نوجوان از دیدگاه امام خمینی (س). انتشارات مدرسه. تهران.
۷. میریان، احمد (۱۳۸۴). پدر مهربان: خاطراتی از رفتار امام خمینی (ره) با کودکان و نوجوانان. مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). تهران.